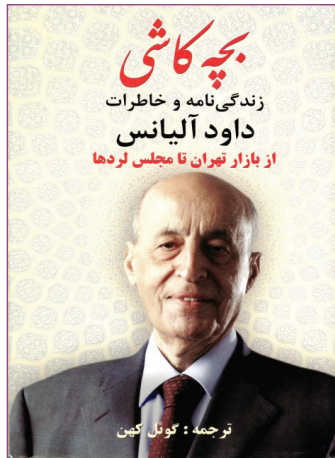




بچه کاشی معرفی و نقد کتاب خاطرات دیوید آلیانس (بخش اول)

علیرضا سلطانشاهی

مقدمه

وقتی به یک ایرانی در خارج از کشور برمی خوریم که به جایگاه ویژه مالی، ثروت، سیاست یا علم رسیده است، بسیار کنجکاو می شویم که او کیست یا چه سرگذشتی داشته است. وقتی که این فرد به تمام قله های ثروت، سیاست و حتی علم توأمان رسیده باشد، کنجکاو می ما برای شناخت او بیشتر می شود. اینکه او به مقامی رسیده است که افراد کمی از آن کشور هم به ندرت به آن مقام می رسند شناخت این فرد را تا حدی برای ما واجب می کند.

در این مقال برآنیم تا به معرفی فردی بپردازیم که در کشور انگلیس به دلیل موفقیت های مهم تجاری، صنعتی و خدمت به اقتصاد آن دیار به افتخارات و مدال های زیادی همچون عضویت در مجلس اعیان به عنوان یک لرد^۱ نایل آمده و از لحاظ علمی به درجه ای از اهمیت و توجه رسیده است که نامش بر سر در مهم ترین دانشگاه بازرگانی

۱. ظاهراً اولین زن ایرانی و دومین نفر از ایران که با مقام لردی به عضویت مجلس اعیان انگلیس درآمده است، هاله افشار می باشد.

انگلیس و چه بسا دنیا نقش بسته است.

بخش مهمی از این معرفی از طریق کتابی است که خود به نگارش در آورده و بخش دیگر از طریق رمز گشایی از متون و نوشته‌های دیگران است که تازه شروع شده و تا سال‌ها باید ادامه یابد؛ چون نه تنها او برای اولین بار، بسیاری از مطالب را در کتابش فاش نموده، بلکه باید رد پای اقدامات او را در سایر عرصه‌های مالی، سیاسی و حتی علمی جست‌وجو کنیم. یعنی آنچه در کتاب خاطرات مطرح کرده است، بخشی از سرگذشت پر رمز و راز و پرتلاطم اوست که انگلیس، ایران و حتی اسرائیل را متأثر کرده است و تعمداً بسیاری از مطالب را نگفته و چون در واپسین سال‌های عمر به سر می‌برد، بعید است که مطلب جدیدی از این سرگذشت را بر ملا سازد. حال می‌پردازیم به این خاطرات.

عنوان کتاب: بچه کاشی، زندگی‌نامه و خاطرات داوود آلیانس

نویسنده: داوود آلیانس

مترجم: گوئل کهن

ناشر: ساتراپ - لندن

سال نگارش و چاپ به زبان انگلیسی: ۲۰۱۵ م

سال ترجمه به فارسی: ۱۳۹۵ (۲۰۱۶)

تعداد صفحات: ۵۷۶

قطع: وزیری

فهرست

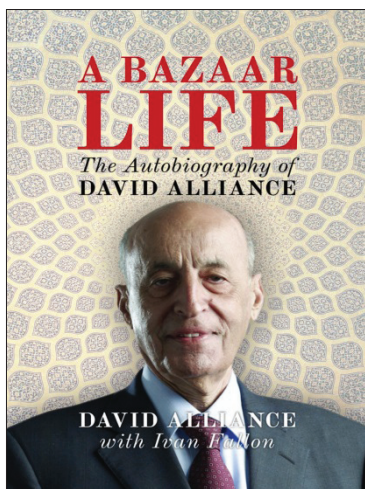
مقدمه مترجم / مقدمه پیتر مندلسون / پیش‌گفتار / زندگی در کاشان / دوران کودکی در ایران / بازار / منچستر / شرکت توماس هاتون / مشکلات در کارخانه توماس هاتون / ایجاد یک شرکت تجاری / درگذشت پدرم / جک منژد / سفارش پستی / اسپیرلا / بانک‌داری / داستان اسباب‌بازی / شرکت وانتونا / شاه / شرکت کارینگتون وایلا / هما / یهودیان اتیوپی / سوار بر موج / ناتینگهام / گینس / کوتز / اوقات خوب اوقات بد / توو تال / پایان خط / ان براون / در خوشی و ناخوشی / پی‌نوشت / فهرست نام‌ها

درباره کتاب

بچه کاشی ترجمه کتاب *A Bazaar Life the Autobiography of David Alliance* (زندگی بازاری؛ خاطرات دیوید آلیانس) است که در سال ۲۰۱۵ با پیاده‌سازی سلسله

گفت و گوهای دیوید آلیانس با «ایوان فالون» به زبان انگلیسی در انگلیس منتشر شده است و یک سال پس از آن گوئل کهن که خاطرات حاخام یدیدیا شوفط و ژاک ماهفر را نیز کار کرده این اثر را به زبان فارسی برگردانده و با عنوان *بچه کاشی* به بازار کتاب عرضه می‌نماید.

دیوید آلیانس برای تنظیم خاطرات خود در نسخه انگلیسی به نام «زندگی بازاری» از «ایوان فالون» به عنوان یکی از نویسندگان پر کار انگلیسی که آثارش به خوبی فروش می‌رود استفاده کرده است. فالون در سال‌های متمادی در مطبوعات انگلیسی به عنوان یک خبرنگار اقتصادی مطرح بوده و در *ساندی تلگراف* و *ساندی تایمز* در همین عرصه فعالیت داشته است.^۱



با فاصله یک سال نسخه فارسی به نام *بچه کاشی* توسط گوئل کهن نیز با حجم بسیار زیادتری منتشر گردید و در مورخ ۹۶/۵/۱ مطابق با ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۷ در کتابخانه مطالعات ایرانی متعلق به ماشاءالله آجودانی در لندن با حضور مترجم کتاب یعنی گوئل کهن رونمایی شد.

اگر چه آلیانس برای نسخه فارسی نیز، اثر را به یک فرد باتجربه همچون کهن واگذار کرد^۲ ولی آن گونه که کهن در *بربال خرد* یدیدیا شوفط سنگ تمام گذاشت و با تحشیه و پاورقی از آن اثر، یک کتاب مرجع پدید آورد،

در *بچه کاشی* ما از تحشیه و تحقیقات جانبی چیزی مشاهده نمی‌کنیم؛ در حالی که دیوید آلیانس کاشانی بود و اطلاعات گوئل کهن از کاشان به دلیل تحقیق بر روی کتاب

1. Ivan Fallon books:

- Magic CARPET RIDE, The Story of My Life, PHIL HARRIS
- Black HORSE, The Inside Story of LLOYDS and the Banking Crisis
- ORIENT – EXPRESS A PERSONEL JOURNEY JAMEB SHERWOOD

www. Bitebackpublishing.com

۲. گوئل کهن علاوه بر کار کردن بر روی خاطرات ژاک ماهفر و حاخام یدیدیا شوفط دو کتاب دیگر به نام‌های *حدیث یک فرهنگ* (تاریخ مدارس فرهنگ یهودیان شیراز) و *همراه با فرهنگ* (گوشه‌ای از تاریخ مؤسسه آلیانس در ایران) دارد که متمرکز بر موضوع یهود ایران است و این سوای آثار دیگر ایشان بر روی عناوین تخصصی وی است.

بربال خرد بسیار زیاد می نمود.

معرفی و نقد این اثر به این دلیل اهمیت دارد که تنها کتاب مربوط به ایشان است که با توجه به جایگاه مهم وی منتشر شده، در حالی که افرادی همچون ایشان موضوع آثار و متون متعددی هستند. از سوی دیگر نوشته و متن اینترنتی قابل اعتنای دیگری نیز از این شخصیت برای راستی آزمایی متن کتاب وجود ندارد. حتی تصاویر مربوط به ایشان نیز به زحمت فراتر از چند قطعه‌ای است که در کتاب آمده و ناخودآگاه این تصور به ذهن متبادر می شود که تعمدی در این اطلاع رسانی از دیوید آلیانس وجود دارد که تا حدودی با مراجعه به متن کتاب می توان به دلایل آن پی برد.

توزیع نه چندان مناسب این اثر هم بسیار قابل تأمل است. به ویژه اینکه در لندن و آن هم توسط یک ناشر غیر مرتبط با آثار مربوط به ایرانیان منتشر شده است و اگر می شد به این مهم پی برد که بیژن خلیلی در شرکت کتاب چرا به این موضوع ورود نکرده است، سؤالات زیادی پاسخ داده می شد. چرا که هم اکنون تنها راه اطلاع از انتشار این اثر سایت 7Dorim مربوط به پایگاه مرجع شناخت تاریخ و سابقه یهودیان ایران است و بس.

از ویژگی های شکلی کتاب هم اگر بخواهیم سخنی به میان آوریم باید اذعان نماییم که نمره قبولی خواهد گرفت. کتابی با جلد و کاغذ سبک و یک روکش طراحی شده قابل قبول بر روی جلد و تصاویری با کاغذ گلاسه در میانه آن و نمایه ای مختصر از نام ها برای بازیابی برخی افراد و اعلام؛ که مجموعاً به مخاطب القا می نماید که هزینه ای متناسب صورت گرفته و نه همچون پیاده تا/افقی پرویز نظریان که بسیار تجملی و گران بود.

قیمت این کتاب نیز نامعلوم است و در پایگاه های فروش کتاب همچون آمازون با ISBN مندرج در صفحه عنوان نمی توان آن را یافت؛ اگر چه نسخه انگلیسی آن با قیمت ۳۴ دلار از همین پایگاه قابل خرید است. مضاف بر آن در مطلع کتاب تمام درآمد حاصل از فروش این کتاب متعلق به بنیاد غیر انتفاعی و فرهنگی - اجتماعی فریبرز مطلوب ذکر شده است.

زندگینامه

چنان که در کرونولوژی یا گاه شمار زندگی آلیانس خواهد آمد، تمام این هشتاد و اندی سال از زندگی آلیانس را می توان در سه مقطع مکانی و نه زمانی تقسیم بندی کرده و مورد بررسی قرار داد:

مقطع اول از زمان تولد او در کاشان تا مهاجرت به تهران است.



آلیانس به واسطه خدمات خود به صنعت انگلیس مقام‌های مختلفی از جمله «لرد» را از ملکه دریافت کرد و عضو مجلس اعیان گردید و حتی در عرصه علم مفتخر به دکترای افتخاری از دانشگاه‌های مختلف گردید و حتی معتبرترین دانشگاه بازرگانی منچستر انگلیس که شهرت جهانی دارد به نام او تغییر اسم داد

مقطع دوم مربوط به زندگی در تهران و اندکی درس و کار است.

مقطع سوم مربوط به مهاجرت به انگلیس و کار و فعالیت تاکنون است.

۱. در کاشان

دوازده سال ابتدایی زندگی آلیانس در کاشان به قدری برای او خاطره‌انگیز، شیرین و تأثیرگذار بود که آثار آن بر تمام زندگی آلیانس در تهران و انگلیس سایه افکند و آلیانس با تمام تجارب خوب و شیرین از زندگی در جاهای دیگر، نتوانست خاطره آن دوازده سال را از خود دور کند.

دیوید آلیانس در ۲۵ خرداد ۱۳۱۱ (۱۵ ژوئن ۱۹۳۲) در کاشان و در یک خانواده یهودی به دنیا آمد.^۱ در شش سالگی و در عین وابستگی به مادر خود، او را که به یک بیماری قلبی مبتلا بود از دست داد.^۲

انس دیوید به کاشان از محله یهودیان با ۲۰۰ خانوار آن و به ویژه خانه آنها با حیاط پر مرغ و خروس و بره آن آغاز می‌شود.^۳ او در وصف خانه کاشان و اهمیتش می‌گوید:

خانه ما در کاشان نمونه‌ای از خانه‌های محله کلیمیان شهر بود، با دیوارهای ضخیم گلی و درگاه‌های آجری. در آن خانه زیرزمین خنکی وجود داشت که مواد غذایی را در آن جانگهداری می‌کردیم. در فصل تابستان که درجه حرارت به بالاتر از ۳۸ درجه سانتی‌گراد می‌رسید، همه خانواده شب‌ها در پشت‌بام می‌خوابیدیم... از هشت اتاق موجود در آن خانه، سه اتاق در اختیار ما بود. یک اتاق به میهمانان اختصاص داشت و همه خانواده در کنار هم در دو اتاق می‌خوابیدیم. همبازی‌های من، حیواناتی بودند که در حیاط خانه رها بودند. مرغ‌ها، کبوترها، یک بره و هفت گنجشک که من علاقه زیادی به همه آنها داشتم. اگر چه طی

۱. داود آلیانس، بچه کاشی (زندگی‌نامه و خاطرات داود آلیانس)، ترجمه گوئل کهن، لندن، ساتراپ، ۲۰۱۶، ص ۴۳.

۲. همان، ص ۴۵.

۳. همان، ص ۳۴.

سال‌های زندگی ام صاحب چندین خانه مجلل بوده‌ام، اما هنوز خانه دوران بچگی در کاشان مأمن و پناهگاهم است.^۱

آلیانس علاوه بر سرگرم شدن با حیوانات اهلی و کبوتران و تربیت آنها^۲ که بسیار بدان علاقه‌مند بود، از طبیعت زیبای کاشان نیز لذت خاصی می‌برد. از نظر او «فین دوست‌داشتنی‌ترین جای دنیا است»^۳ و کاشان در منظر او چنان زیبا و پربهت بود که در سفر «لرد جیکوب روچیلد» به ایران، او را به این زیباترین شهر از منظر خود برده بود.^۴ در حالی که دیگران این شهر را به زیبایی آلیانس درنیافته بودند. از جمله روچیلد در پاسخ به سؤال امیرعباس هویدا که کاشان را چگونه یافتید، گفته بود:

ما آن قدر درباره شهر کاشان تعریف و تمجید شنیده بودیم که تصمیم گرفتیم از آن شهر دیدن کنیم. اما متأسفانه کاشانی را که داود آلیانس تعریف کرده بود، نیافتیم.^۵

تفریح و گردش آلیانس در کاشان و فین همراه با دوستان هم‌سن و سالش^۶ چنان در ذهن او حک شده که با هیچ یک از تفریحات دوران مکنت او با آن همه ثروت و نفوذ و امکانات برابری نمی‌کند و به همین دلیل دوازده سال زندگی او در کاشان با اهمیت و سرنوشت‌ساز است.

در کنار این سرگرمی‌ها، آلیانس به گوشه‌ای از علایق خود در مورد درس و تحصیل در مدرسه «آقایقوتی‌ال»^۷ به عنوان معروف‌ترین مدرسه یهودی در کاشان هم می‌پردازد؛ ضمن آن که از تجارب اولیه خود^۸ در کسب و کار در آن سن و سال نیز به عنوان قدم‌های اولیه در یک مسیر سرنوشت‌ساز به نکاتی اشاره می‌کند که حاکی از استعداد او در امر تجارت و صنعت است.

۲. در تهران

به دنبال کاهش سود حاصل از کسب و کار در کاشان،^۹ پدر آلیانس تصمیم به مهاجرت

۱. همان، ص ۳۶-۳۵.

۲. همان، ص ۵۴-۵۱.

۳. همان، ص ۳۳.

۴. همان.

۵. همان، ص ۳۴؛ لرد «جیکوب روچیلد» معروف‌ترین و برجسته‌ترین شخصیت متنفذ از خاندان روچیلد در انگلیس است که آلیانس شدیداً از حمایت‌های بانک او در خرید و تجهیز کارخانه‌های خود بهره برده است.

۶. همان، ص ۶۱-۵۹.

۷. همان، ص ۵۴-۵۳.

۸. همان، ص ۵۵.

۹. همان، ص ۶۴-۶۲.



به تهران می‌گیرد و آلیانس در دوازده سالگی مهم‌ترین خاطرات خوش زندگی خود را در کاشان رها کرده و وارد مرحله دوم از زندگی خود می‌شود که زیاد باب میلش نبوده است. در واقع او اولین مهاجرت از زندگی خود را تجربه می‌کند؛ تجربه‌ای که تقریباً تمام یهودیان چند بار در زندگی خود آن را دارند. البته اگر بخواهند از لحاظ مادی تغییری در شرایط خود ایجاد کنند و به همین دلیل مهاجرترین قوم در دنیا هستند.^۱

مذاق آلیانس از ترک لذات دوران کودکی با سفر به تهران و سکنی گزیدن در یک خانه کوچک و بی‌روح زمانی تلخ‌تر می‌شود که بالاچار پدر پس از ۷ سال مجرد همسر جدیدی اختیار می‌کند که آلیانس با او رابطه خوبی برقرار نمی‌نماید.^۲ این تلخی زمانی به حد اعلی می‌رسد که ناگوارترین تصمیم برای او در این سنین گرفته می‌شود و پدر در آغاز دومین سال حضور آلیانس در تهران و در آغاز سیزده سالگی و پایان کلاس ششم او را از ادامه تحصیل واداشته و برای کار کردن به بازار می‌فرستد.^۳



پدر آلیانس در کنار همسر دوم خود (ننه‌خان)

این تصمیم پدر در حالی گرفته شد که آلیانس سرشار از خوشحالی برای قبولی در امتحانات^۴ بود و تعجب‌آور اینکه پدر آلیانس به دلیل عشق و علاقه به مدارس تازه تأسیس یهودیان فرانسه در ایران به نام آلیانس، نام خانوادگی خود را به همین نام ثبت کرده^۵ و هم اکنون فرزند خود را از رفتن به مدرسه و ادامه تحصیل منع کرده و به بازار می‌فرستد!

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: «نسبت یهود با مهاجرت» از همین نگارنده، ۵/ خرداد، ش ۱۲، ص ۴، تابستان ۱۳۸۶.

۲. داود آلیانس، همان، ص ۶۳.

۳. همان، ص ۲۹-۳۰.

۴. همان، ص ۳۰.

۵. همان، ص ۴۲ و نام آلیاهو آلیانس را برای خود برگزید.



این تصمیم پدر اگر هر دلیل موجه یا غیر موجهی داشته باشد، برای آلیانس ناگوار بود و البته سرنوشت ساز؛ چرا که مسیر او را برای ساختن آینده کاری اش مشخص کرد و تا حدی نشانگر توجه ویژه پدر به مسائل مادی یا نگرانی مربوط به آن در دوران رکود اقتصادی بود. بگذریم که تا پایان کتاب خاطرات آلیانس، از شغل پدر به صراحت مطلبی ذکر نمی شود ولی برخی نکات، نشان دهنده نزول خواری او بوده است.^۱

به هر حال آلیانس چاره‌ای جز تمکین از امر پدر نداشت و با ترک تحصیل کنار آمد ولی بخشی از تأسف خود در این مورد را به این صورت بیان می کند:

صبح روز اول سال تحصیلی از خواب بیدار شدم و از خانه بیرون آمدم تا پیاده به محل کار بروم. متأسفانه خیابانی که به بازار ختم می شد، مسیر مدرسه‌ام بود و بسیاری از دانش‌آموزان در مسیر مخالف من رو به سمت مدرسه می رفتند. آنانی که مرا می شناختند با تعجب می پرسیدند که چرا به مدرسه نمی روم. وقتی با حالتی شرمگین توضیح می دادم که ترک تحصیل کرده‌ام و در بازار مشغول به کار شده‌ام، متوجه نگاه تحقیرآمیزشان می شدم و به شدت خجالت می کشیدم.^۲

پنج سال حضور آلیانس در تهران از ۱۲ سالگی تا آستانه هجده سالگی صرف کار و فعالیت و تجارت در بازار تهران، رشته پارچه‌فروشی و در حضور دو تاجر فعال این عرصه «الياهو بروخيم» و «الياهو ستاره» شد^۳ و مدتی هم شراکت و سپس اجاره یک مغازه کوچک به صورت مستقل^۴ و نه ماه آخر حضور در تهران نیز به صورت کامل و مستقل برای خودش کار می کرد.^۵ در این زمان دیوید آلیانسی که دوست می داشت با ادامه تحصیل به شغل مورد علاقه‌اش یعنی وکالت^۶ بپردازد، مسیر زندگی او را به سمت پارچه‌فروشی و تجارت در این عرصه کشاند و او را در خود فرو برد.

دیوید آلیانس در آستانه هجده سالگی به بهانه تجربه فضای بزرگتری از کسب و کار قصد مهاجرت به منچستر کرد و رحل اقامت نزد دایی‌های خود در آنجا گزید؛ در حالی

۱. همان، ص ۶۶، داود آلیانس در این مورد می گوید: پدرم به پشتوانه سرمایه‌ای که اندوخته بود، تجارتی به راه انداخت که در آن با فروختن سفته و عرضه وام به سایر تجار، درآمدی کسب می کرد که کفاف خرجش را می داد... ص ۶۶.

۲. همان، ص ۶۹.

۳. همان، ص ۷۰-۶۹.

۴. همان، ص ۷۳.

۵. همان، ص ۷۵.

۶. همان، ص ۶۸.

که از خانواده و محدودیت‌های آن به ویژه برای داماد کردن او می‌گریخت؛^۱ از همین رو بدون اطلاع پدر اسباب و لوازم مالی و قانونی سفر را فراهم کرد^۲ و تنها با داشتن ۱۴ پوند^۳ در سال ۱۳۲۹ بدون کمک از پدر و تنها با خداحافظی از او در آخرین لحظات قبل از سفر، به سمت منچستر حرکت کرد. سرمایه او در این ریسک بزرگ، تجربه‌ای بود که در بازار تهران آموخته بود و عدم وابستگی به پدری که به دلیل ممانعت از درس خواندن کدورتی نیز از او در دل داشت و البته نیم‌نگاهی به مساعدت دایی‌های خود در منچستر که به تجارت پارچه مشغول بودند. ولی حوادث بعدی زندگی آلیانس به گونه‌ای خلاف تصور او رقم خورد.

۳. در انگلیس

۶۷ سال از زندگی آلیانس در انگلیس گذشت. در این مدت از اقوام خود بی‌مهری دید، رنج و سختی را برای کار بهتر تحمل کرد، تشکیل خانواده داد، تاجر و صنعتگر معروفی شد و هم‌اکنون با ۸۵ سال سن و بیماری‌های جسمی و روحی، واپسین اوقات زندگی خود را می‌گذراند.



دایی‌های آلیانس در منچستر. ایستاده از چپ: امیر (ادوارد)، آشر (هری)، ابراهیم (آلبرت) و عبدالله (دیوید)

نشسته در طرفین پدر بزرگ مادری آلیانس: حاجی شعبان (سام) و یعقوب (جف)

اگرچه آلیانس با امید به کمک گرفتن از سوی دایی‌های خود به منچستر انگلیس

۱. همان، ص ۷۸.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۱.



دیوید آلیانس در کتاب خاطرات خود به صورت بسیار مشروح و مفصل به این روند اشاره می‌کند که چطور یک جوان ۱۸ ساله با ورود به منچستر و با داشتن تنها ۱۴ پوند به جایی می‌رسد که ۷۰ تا ۸۰ هزار کارگر در ۶۰ کشور جهان برای او کار کنند و درآمد سالیانه او به دو میلیارد و نیم پوند برسد و او را سلطان صنعت نساجی بنامند

پای نهاد ولی این شش دایی^۱ از همان ابتدا آب پاکی را روی دستانش ریختند؛ به طوری که دایی امیرش در اولین روزهای ورود آلیانس به منچستر به او می‌گوید:

خوب بگذار به تو بگویم، بی خود وقتت را تلف نکن. نه تنها از طرف آنها حمایت نخواهی شد بلکه یک تیپا هم نوش جان خواهی کرد.^۲

و این اولین مرحله از بدبختی آلیانس بود که سه سال در به دری او در این شهر را در پی داشت تا جایی که برای گریز از نپرداختن

اجاره منزل زیر شیروانی و محقر خود در هوای سرد، شب‌ها را تا صبح در خیابان‌ها سر می‌کرده^۳ یا برای رفع گرسنگی با اندک پول خود ارزان‌ترین نان را می‌خریده و با آب خالی و البته با ولع می‌خورده است.^۴ هیچ‌گاه در این مدت برای سفرهای خود بلیط قطار تهیه نمی‌کرده^۵ و با ترفندهای مختلف سوار بر قطار شده و مسافرت می‌کرده است؛ یا اینکه در هیچ میهمانی با دوستان خود هزینه غذا و نوشیدنی را نمی‌پرداخت^۶ و با تبحری که در رقص به دست آورده بود^۷ خیلی از دخترها را در مسیر کار یا پرداخت هزینه‌های اسکان، خوراک یا فعالیت کاری فریب می‌داد. این سختی و رنج فراوان او را تا سرحد خودکشی^۸ و بازگشت به ایران سوق می‌داد؛^۹ ولی به هر حال تحمل کرد تا اینکه پس از پنج سال توانست از لحاظ مالی باریسک‌هایی که می‌کرد اولین شرکت خود به نام توماس هاتون را بخرد^{۱۰} و این موفقیت شروع شد و ادامه یافت.

دیوید آلیانس در انگلیس دو بار اقدام به ازدواج کرد. اولین بار با دختر دایی بزرگ خود

۱. شش دایی او که با رفتن به انگلیس نام خود را تغییر دادند، عبارت‌اند از: یعقوب (جف)، شعبان (سام)، ابراهیم (آلبرت)، آشر (هری)، عبدالله (دیوید) و امیر (ادوارد).

۲. همان، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۹۸-۹۷ و ۹۶.

۴. همان، ص ۱۰۷.

۵. همان، ص ۹۰.

۶. همان، ص ۱۰۸.

۷. همان، ص ۱۰۵ و ۱۰۸.

۸. همان، ص ۱۱۲.

۹. همان، ص ۱۱۱.

۱۰. همان، ص ۱۴۲.



«آلما»^۱ در سن ۲۳ سالگی که صاحب دو فرزند از او به نام‌های «گراهام» و «سارا» شد.^۲ ولی به دلیل غرق شدن در امور تجاری و تنها گذاردن همسر در این دوران او را افسرد و از خود دور کرد تا اینکه پس از مدتی هتل خوابی از او جدا شد؛^۳ آن هم پس از ۲۷ سال زندگی مشترک. ازدواج دوم آلیانس با «هما» در سال ۱۳۶۱^۴ و پس از چهار سال آشنایی دورادور با او صورت گرفت. او از یهودیان مهاجر ایرانی و کاشانی‌الاصل بود که در مسیر مهاجرت به امریکا با آلیانس آشنا شد که این آشنایی منجر به ازدواجی شد که باز هم به دلیل کار زیاد و کم توجهی آلیانس فرجام خوشی نداشت. آلیانس از این همسر خود نیز پسری بنام جاشوا دارد و بسیار نسبت به فرزندان خود ابراز علاقه می‌کند.^۵

آلیانس اگرچه در عرصه صنعت و تجارت نام‌آور و موفق می‌نمود ولی از لحاظ خانوادگی بسیار ضعیف و شکست خورده است که شاید مهم‌ترین دلیل نداشتن فضایی برای رسیدگی به خود و خانواده در کنار ساعت‌ها کار و تلاش بوده یا دلیل دیگری هم داشته که در این کتاب آن را برای اولین بار آشکار می‌نمایند و آن بیماری افسردگی شدید بوده است. آلیانس به هر دلیل نتوانست بر این دو مشکل مهم به عنوان موانع بهبود اوضاع خانواده فایق آید و حتی مورد شتمات پدر نیز قرار گرفت. گویی پدر نیز خود را در به وجود آمدن این شرایط مقصر دانسته و به او می‌گوید:

داود، کی از جنگیدن با من دست برمی‌داری؟... معلوم است که هنوز با من سر جنگ داری نمی‌بینی من به هدفی که از بردن تو به بازار داشتم، رسیده‌ام؟ من می‌خواستم تو تاجر موفقی بشوی و حالا خوشبختانه همان‌طور هم شده، پس کار من به نتیجه رسیده است. از ستیزه کردن با من دست بردار، شبانه روز کار کردن بس است؛ دیگر مجبور نیستی چیزی را به من یا به کس دیگری ثابت کنی. کار خودت را کرده‌ای حالا به زندگی برس.^۶

آلیانس اگرچه تحت تأثیر این خطاب پدر قرار گرفت ولی نتوانست در شرایط خود تغییری حاصل کند و بدون توجه به این اندرز، او را در ۴۱ سالگی خود از دست داد.

۱. همان، ص ۱۱۶.

۲. همان، ص ۳۸۵.

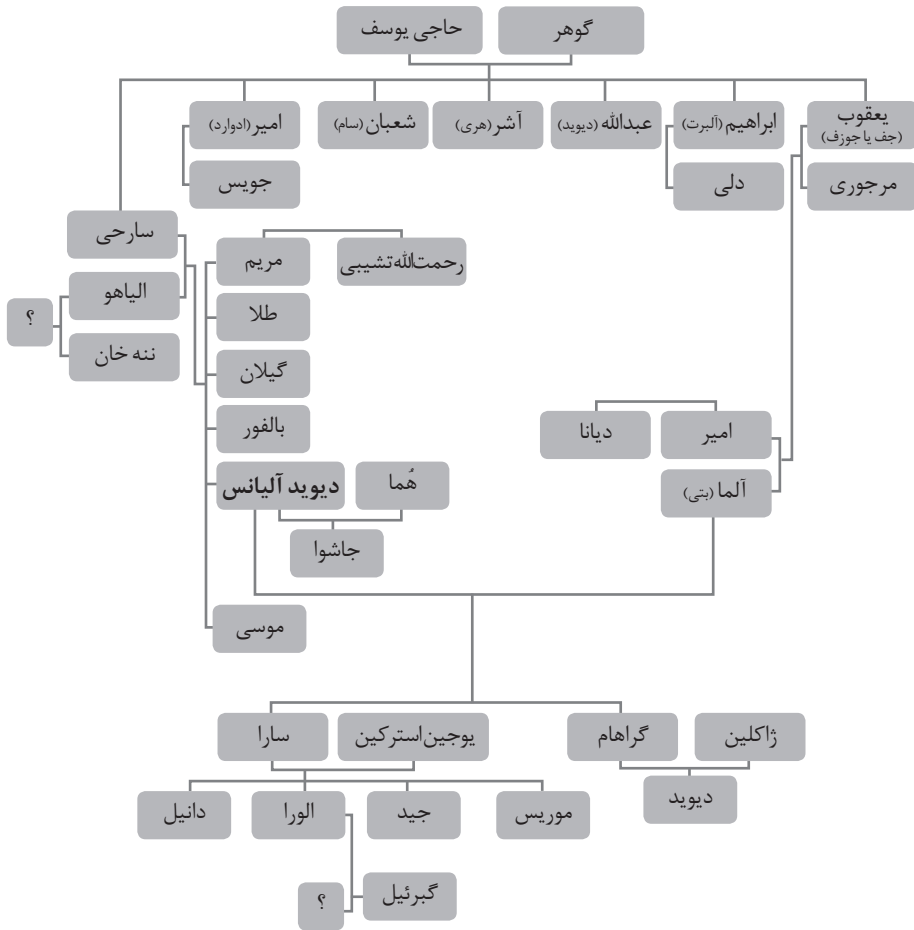
۳. همان.

۴. همان، ص ۳۸۶.

۵. همان، ص ۳۸۵.

۶. همان، ص ۵۳۳.

۷. همان، ص ۱۸۵.



توجه: این نمودار بر اساس اطلاعات مندرج در کتاب طراحی شده است؛ ضمن آنکه از خانواده پدری آلیانس هم اطلاعاتی به دست نیامد.

دیوید آلیانس از آن دست یهودیانی است که تنها از یهودیت، خصلت مقتصد بودن صرف را به ارث برده و الا نه در خاطرات و نه در متون دیگر از تقید وی به مذهب و آئین موسوی، مورد برجسته‌ای دیده نمی‌شود؛ در عین حال توجه او به یهودیان و یهودیت به عنوان یک قوم، بسیار قابل توجه و مهم است

موفقیت آلیانس به عنوان بزرگترین مالک صنعت نساجی انگلیس پس از ۶۷ سال تلاش مداوم و پرمشقت و پرتلاطم، سه بیماری صعب‌العلاج برای او به همراه آورد. اولین بیماری که مدت‌های مدید با او بود افسردگی است که شاید دلیل عدم موفقیت در زندگی خانوادگی باشد ولی سرطان پروستات^۱ و لوزالمعده^۲ او را در سرایشی کهنوت سن و تحلیل جسم قرار داد و او همچنان با امیدواری‌های کاری پس از ورشکستگی در عرصه نساجی به شرکت «ان براون» به عنوان یک شرکت سفارش پستی چشم دوخته و همچنان دنبال خلاقیت در این عرصه است.

ره‌آورد زندگی آلیانس در انگلیس علاوه بر عرصه اقتصادی، حوزه سیاسی رانیز شامل می‌شد. او به واسطه خدمات خود به صنعت انگلیس مقام‌های مختلفی از جمله «لرد» را از ملکه^۳ دریافت کرد و عضو مجلس اعیان گردید و حتی در عرصه علم مفتخر به دکترای افتخاری از دانشگاه‌های مختلف گردید و حتی معتبرترین دانشگاه بازرگانی منچستر انگلیس که شهرت جهانی دارد به نام او تغییر اسم داد.^۴

با این مقدمه کلی از زندگی ۸۵ ساله آلیانس، در ادامه به سه محور از دلایل پرداختن به معرفی و نقد این کتاب یعنی تجارت او، ارتباط با صهیونیسم و انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت؛ محورهایی که تاکنون در هیچ منبعی به این صورت بدان اشاره نشده و نکاتی قابل توجه در بر دارد.

کار، فعالیت، تجارت

دیوید آلیانس در کتاب خاطرات خود به صورت بسیار مشروح و مفصل به این روند اشاره می‌کند که چطور یک جوان ۱۸ ساله با ورود به منچستر و با داشتن تنها ۱۴ پوند به جایی می‌رسد که ۷۰ تا ۸۰ هزار کارگر در ۶۰ کشور جهان برای او کار کنند

۱. همان، ص ۵۳۴.

۲. همان، ص ۵۳۳.

۳. همان، ص ۱۲.

۴. همان.

آلیانس در قبال قوم یهود
در طول دوران تجارت
و فعالیت خود خدمات
بزرگی به آنها کرد که
بارزترین آن در عرصه
مهاجرت است

و درآمد سالیانه او به دو میلیارد و نیم پوند برسد^۱ و او را
سلطان صنعت نساجی بنامند؛^۲ یا برجسته ترین معامله گر
خطاب نمایند.^۳ در حالی که سواد کلاسیک او به سیکل هم
نمی رسید و در امر حسابداری کاملاً نا آشنا بود و از برخی
اسناد همچون ترازنامه سر در نمی آورد.^۴

او تجربه پنج سال فعالیت در بازار تهران را تنها سرمایه
مادی و معنوی برای تمام این موفقیت می داند و نه ماه تجربه کار مستقل در بازار تهران را
بسیار سرنوشت ساز ذکر می کند.^۵ در واقع دانشگاه او بازاری^۶ بود که در آن تجربه اندوخت
قبل از آن که علم آن را فرا گیرد و به همین دلیل تنها شش سال پس از ورود به انگلیس
اولین کارخانه را خرید^۷ و ظرف یازده سال به یکی از میلیونرها در انگلیس بدل گشت.^۸

۱. اصول کاری

آلیانس از ابتدا مبانی و اصولی برای خود در بازار تعریف کرد و بر اساس آن تا وصول به
موفقیت پافشاری کرد. این اصول برگرفته از شخصیت خود ساخته، تجارب و دیدگاه پدر
و شرایط محیط شکل گرفت؛ از جمله:

- «تسلیم نشو» عبارت کلیدی او بود.^۹

- توجه ویژه به اصول پنج گانه پدر:

۱. همیشه حد خودت را بدان.

۲. هرگز بیشتر از توانت قول نده.

۳. هرگز بیشتر از ظرفیت تجاریات وارد معامله نشو.

۴. همیشه به هر قیمتی، قول و قرار را حفظ کن.

۵. از دست دادن سود یک معامله بهتر از، از دست دادن یک مشتری است.^{۱۰}

- به دست آوردن اعتماد و اعتبار نزد تجار و فعالان^{۱۱}

۱. همان، ص ۸ و ۱۱.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۷.

۴. همان، ص ۱۳۸.

۵. همان، ص ۷۵.

۶. همان، ص ۹ و ۱۱.

۷. همان، ص ۱۱.

۸. همان.

۹. همان، ص ۲۱ و ۹۴.

۱۰. همان، ص ۴۸-۴۷.

۱۱. همان، ص ۱۵۴.

- کوتاه نیامدن در معامله و قطعیت در نظر و لوا اینکه به شکست بی انجامد^۱
- خلاقیت تنها راه خروج از رکود^۲
- گفت و گوی رو در رو با مشتری^۳
- مایه گذاشتن از قلب و روح برای موفقیت^۴
- به دنبال کسب رضایت همه برای انجام معامله^۵
- درس گرفتن از صبر برای ترقی^۶
- آلیانس در کنار این اصول کاری که خود سعی در اجرای آن داشت از همکاران و مدیران خود نیز می خواست که آن را به عنوان یک فرهنگ در نظر بگیرند.^۷

۲. ویژگی های شخصیتی و مدیریتی

- توجه به هنر پایین آوردن هزینه های تولید^۸ حتی کمتر از چین
- توجه و ارزش قائل شدن برای جایگاه خود^۹
- عدم اتکا به دیگران برای پرهیز از وابستگی^{۱۰}
- سخت کوشی و پایین آوردن هزینه های شخصی، زود خوابیدن، کم کردن تفریحات متنوع،^{۱۱} عدم شرکت در مهمانی های معمول^{۱۲}
- چانه زنی بسیار با رقبا و شرکا^{۱۳}
- تعامل با روزنامه ها و رسانه ها^{۱۴}
- از بین بردن روحیه نخوت در میان مدیران خود^{۱۵}
- غرق شدن در کار و پرهیز از حاشیه ها^{۱۶}

۱. همان، ص ۱۶۵.

۲. همان، ص ۳۵۳.

۳. همان، ص ۳۵۵.

۴. همان، ص ۵۵۸.

۵. همان، ص ۵۴۷.

۶. همان، ص ۱۱۳.

۷. اگرچه آلیانس اصول دیگری را نیز در کتاب به صورت فهرست وار اشاره می کند ولی در جریان روایت خاطرات و زندگینامه، به آنهایی اشاره کردیم که به کار بسته بود.

۸. همان، ص ۲۲۰.

۹. همان، ص ۷۲.

۱۰. همان، ص ۷۴.

۱۱. همان، ص ۹۵.

۱۲. همان، ص ۲۳۵.

۱۳. همان، ص ۹۸.

۱۴. همان، ص ۱۶۹ و ۲۳۲-۲۳۱.

۱۵. همان، ص ۱۷۲.

۱۶. همان، ص ۲۲۵.





- شخصیت دادن به کارگران، مدیران و مسئولیت دادن به آنها^۱
- به کارگیری گروه تحقیق و پژوهش برای حل مشکلات^۲
- اگرچه آلیانس با برشمردن این ویژگی‌های شخصی خود در عرصه تجارت به تصویر ذهنیت مثبت از خود نزد مخاطب می‌پردازد ولی در خلال خاطرات خود به نکاتی اشاره می‌کند که آن روی سکه از شخصیت کاری این تاجر موفق را نیز نشان می‌دهد؛ از جمله:
- بهره‌گیری از راه‌های نادرست برای به دست آوردن پول بیشتر از همان بچگی از جمله ریختن آب در شیر و فروختن آن،^۳ تجارت نخ در مدرسه،^۴ تولید جوهر،^۵ و تعمیر خودنویس و تبنانی با رقبای همکلاسی برای پایین نرفتن حق الزحمه.^۶
- گرفتن لقب اوراچچی دارایی نزد عموم به دلیل خرید کارخانه‌های در حال ورشکستگی^۷
- فرصت طلب نامیدن او^۸
- به کارگیری شگردهای لازم برای بالا بردن حقوق و عواید خود^۹
- سوءاستفاده از افراد ناآشنا به این حوزه^{۱۰}
- دسیسه علیه رقبا برای تصاحب اجناس و فروش خوب آنها^{۱۱}
- خرید کارخانه‌ها بدون پول و فروش آنها روی هوا^{۱۲}
- استفاده از نیروی کار ارزان و مجانی حتی زندانیان برای تولید^{۱۳}
- برهم زدن شراکت با دایی‌ها به دلیل بلندپروازی^{۱۴}
- به کارگیری ترفندهای بعضاً غیراخلاقی در خرید شرکت‌ها از جمله توطئه و تبنانی^{۱۵}

۱. همان، ص ۲۸۸.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. همان، ص ۵۵.

۴. همان.

۵. همان، ص ۵۶.

۶. همان، ص ۶۷.

۷. همان، ص ۲۲.

۸. همان، ص ۲۳.

۹. همان، ص ۷۲.

۱۰. همان، ص ۷۳.

۱۱. همان، ص ۷۵.

۱۲. همان، ص ۹۲ و ۱۳۰.

۱۳. همان، ص ۱۷۷.

۱۴. همان، ص ۱۸۲.

۱۵. همان، ص ۲۶۳-۲۶۲ و ۲۲۹-۲۲۸.

- بلوف زدن برای به در کردن رقیب از صحنه^۱
- رو دست زدن به طرف مقابل و حتی نقض عهد همچون حفظ مدیرعاملی شرکت در عین قول دادن اعطای آن به «هری جنقلی»
- به کارگیری شیوه جاسوسی و اعتراف به داشتن یک شبکه در این عرصه^۲

۳. حامیان کاری

بدون شک دیوید آلیانس در مسیر موفقیت خود مرهون حمایت و اعتماد بسیاری از افراد بود که به صراحت از آنها یاد کرده و خود را مدیون آنها می‌داند.



آلیانس در کنار لرد جیکوب روچیلد

لرد «جیکوب روچیلد» به عنوان برجسته‌ترین شخصیت فعلی از خاندان مشهور روچیلد صاحب بانک روچیلد، ضامن خرید تمام شرکت‌های آلیانس بود. اگرچه روچیلد با ترک بانک و تأسیس گروه سرمایه‌گذاری «آر آی تی کاپیتال پارتنر»، حوزه گسترده‌تری از شبکه مالی خود را ایجاد کرده، ولی همچنان حامی آلیانس است.^۳ آلیانس در روند کاری و مشارکت با بانک‌ها ذکر از بهره‌های بسیار سنگین می‌کند که ناشی از ریسک بالای او برای بازپرداخت آن وام‌هاست ولی در چند جا به بهره مرکب^۴ اشاره دارد که حاکی از اتکای او به ربا در سطح وسیع و گسترده‌ای است که البته یهودیان

۱. همان، ص ۳۰۹.

۲. همان، ص ۴۵۱.

۳. همان، ص ۱۹۸-۱۹۵.

۴. همان، ص ۱۱۸؛ Compound Interest بهره چندگانه، ربح مرکب که آلمان همسر اول آلیانس تبحر خاصی در احتساب آن داشت.

دیوید آلیانس بسیار فراتر از یک مهره پوششی خود را درگیر مهاجرت یهودیان فلاشه کرد. او در این مسیر هزینه شخصی پرداخت و علاوه بر هزینه مالی در برخی موارد جان خود را نیز به خطر انداخت

به آن شهره و متخصص هستند.

«جک منژد» دومین فرد از لحاظ اهمیت در میان حامیان آلیانس است که به عنوان شریک در بسیاری از معاملات آلیانس، حامی و پشتوانه او بوده است و یک بخش از کتاب به نام اوست.^۱

«جورج الیاس» فرد دیگری بود که آلیانس در ابتدای بلندپروازی خود و راه یافتن به باشگاه میلیونرهای صنعت نساجی از حمایت و کمک او برخوردار شد.^۲

«مارکوس سیف»^۳ مدیر خلاق و موفق فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای «مارک اند اسپنسر» چهارمین حامی تجارت و امپراتوری تجاری آلیانس بود که با فروش محصولات آلیانس در گروه صنعتی خود تولید می‌کرد، تضمینی بود بر چرخش این دستگاه بزرگ نساجی در انگلیس.

با اندکی توجه به ماهیت تمام حامیان آلیانس به یک واقعیت می‌توان پی برد که همه آنها یهودی بودند و واقعیت مهم‌تر اینکه این حلقه از حامیان آلیانس همچون شبکه‌ای عمل می‌کردند که تضمین‌کننده سود و منافع همه اعضا باشد.



آلیانس با جک منژد بازرگان منچستری و تنها شریک تجاری او

۱. همان، ص ۱۹۹.

۲. همان، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۱۲۹ و ۲۱۷-۲۱۵.

۴. رعایت قانون

دیوید آلیانس در عین به کارگیری تمام شگردها، ترفندها و حتی توطئه‌های تجاری در مقابل رقبا و شرکا، خود را بسیار پای‌بند به اجرای قانون و رعایت قواعد مرسوم نشان می‌دهد.

او به صورت منظم و دقیق نسبت به پرداخت مالیات خود اقدام می‌کند.^۱ حتی در برخی موارد با وجود امکان رهیدن از پرداخت مالیات، داوطلبانه خود را متعهد به پرداخت آن می‌داند.^۲

در تعامل با اتحادیه‌های کارگری، نهایت همکاری و همراهی را از خود نشان می‌دهد.^۳ در بسیاری از موارد با حمایت از حقوق کارگران و جلوگیری از بیکار شدن^۴ آنها، وجهه‌ای در میان رهبران این اتحادیه به دست می‌آورد؛ به طوری که آنها خواستار اعطای نشانه‌های حکومتی به آلیانس بابت حمایت از منافع کارگران می‌شوند.^۵ این ملاحظه یا دقت آلیانس در مواجهه با قانون بود که حتی او را از یک مهلکه بزرگ و رسوایی اقتصادی که به صورت مفصل به آن می‌پردازد و به «گی‌نس»^۶ مشهور است، می‌رهاند.

از سوی دیگر در فرازهایی از فعالیت آلیانس شاهد بیکاری بسیاری از کارگران کارخانه‌های او بوده‌ایم یا اینکه خود اعتراف به داشتن جاسوس در اتحادیه‌های کارگری می‌کند^۷ و...

۵. پیوند با سیاست

آلیانس در پیشبرد اهداف اقتصادی و تکاپوهای مالی خود در انگلیس به آن درجه از درک می‌رسد که باید دستی در عرصه سیاست هم داشته باشد و به همین دلیل برای خود حوزه نفوذی از افراد از میان نخست‌وزیران سابق و وزرای دوران مختلف و نمایندگان مجلس عوام و اعیان تدارک می‌بیند^۸ و حتی در قالب حزب لیبرال از خود کنش سیاسی بروز می‌دهد تا اهرمی کارآمد در موقع مقتضی به کار گیرد تا امپراتوری خود را از هر جهت اداره نماید.

۱. همان، ص ۱۶۶.

۲. همان، ص ۲۱.

۳. همان، ص ۲۴.

۴. همان، ص ۲۹۰-۲۸۷.

۵. همان، ص ۲۴.

۶. عنوان یکی از بخش‌های کتاب هم به این موضوع اشاره دارد؛ ص ۴۵۳.

۷. همان، ص ۳۱۰.

۸. همان، ص ۲۷۸؛ در این میان جرج براون و دیوید اوئن نقش زیادی دارند.

لیست این افراد سیاسی محدود به داخل انگلیس نمی‌شود بلکه خارج از آن در ایران و حتی اسرائیل را در بر می‌گیرد که در ادامه این مقال به نمونه‌هایی از این حوزه فعالیت اشاره می‌شود.

۶. تنوع سرمایه‌گذاری

آلیانس حوزه فعالیت خود در عرصه اقتصاد را محدود به صنعت نساجی نکرد و تمام سرمایه حاصل از این تخصص را در این حوزه سرمایه‌گذاری ننمود بلکه برای اطمینان از بقای پول خود سایر عرصه‌ها را درنوردید.

او اقدام به تأسیس بانک نمود،^۱ در عرصه صنعت اسباب‌بازی^۲ ورود کرد، در معدن زغال سنگ^۳ سرمایه‌گذاری نمود، شرکت سفارش پستی را به نام ان براون^۴ راه‌اندازی کرد و حتی شرکت مربوط به امور اموات را تأسیس نمود^۵ و به حوزه‌های مهندسی ابزار دقیق تلفن همراه، اجاره تلویزیون، شرکت ساختمانی، معاملات ملکی، خرده‌فروشی، تجهیزات پزشکی، نوشت افزار و بیمه هم ورود کرد^۶ و اتفاقاً با این تدبیر بود که توانست پس از ورشکستگی در عرصه نساجی، در شرکت ان براون، تکاپوی مالی خود را حفظ کرده و تداوم بخشد.

دیوید آلیانس با تبحر کم‌نظیر و سرمایه‌گذاری بزرگ در صنعت نساجی به قله‌ای رسید که هر آنچه به نخ و پارچه مربوط بود را تولید می‌کرد^۷ و در برخی رشته‌های تولید نساجی در جهان مقام اول را به دست آورد.^۸ او در تولید یک پیراهن در کارخانه‌های خود از لحاظ زمانی رکورد زد؛ بدین معنا که در ۱۳/۵ دقیقه در مقابل چین با ۱/۵ ساعت^۹ اقدام به دوختن یک پیراهن می‌نمود و به همین دلیل مفتخر به دریافت نشان CBE (شوالیه‌گری)^{۱۰} و لردی و یازده مدرک افتخاری از دانشگاه‌های مختلف^{۱۱} گردید. ولی شرایط نامساعد اقتصادی انگلیس و عدم حمایت دولت و نپرداختن یارانه به صنعت

۱. همان، ص ۲۷۳.

۲. همان، ص ۲۹۰-۲۸۷.

۳. همان، ص ۵۱۲.

۴. همان، ص ۵۲۷.

۵. همان، ص ۲۳.

۶. همان.

۷. همان.

۸. همان.

۹. همان، ص ۴۲۸.

۱۰. همان، ص ۲۴.

۱۱. همان، ص ۱۸۶.

آلیانس نسبت به عملکرد آن بخشی از رژیم صهیونیستی که توافق با فلسطینی ها را بر نمی تابد شدیداً براز مخالفت می کند و حتی دیدگاه خود در باب ضرورت صلح با فلسطینی ها برای بقای اسرائیل را به آنها خاطرنشان می سازد؛ به طوری که او را طرفدار صلح با فلسطینی ها قلمداد می کنند

نساجی از یک سو^۱ و ضعف مدیریت شرکت های او در پی کهولت سن و کنار رفتن او از مدیر عاملی و سپردن آن به یک فرد کم تجربه به نام «نویل بین» از سوی دیگر منجر به سقوط آلیانس و امپراتوری نساجی او شد؛^۲ و زحماتی که برای به دست آوردن تک تک شرکت هایی که خریده بود، متحمل شد، از میان رفت. شرکت هایی همچون توماس هاتون، جیمز روت ول، سیمسون و گادلی، جی دی ویلیامز، اسپیرلا، ونتوانا وایلا، ناتینگهام، کوتز، توتال، که

ظرف ۴۸ سال خریده بود و با آن به این امپراتوری رسیده بود در سال ۲۰۰۴ رسماً با اعلام ورشکستگی از دست داد و حوزه فعالیت خود در این واپسین سال های عمر را به ان براون و دیگر امور متمرکز کرد. ولی با پیشرفت بیماری هایش از ان براون نیز در سال ۲۰۱۲ استعفا کرده و اعلام بازنشستگی نمود.^۳

آنچه از مرور فصل کار و تجارت در زندگی آلیانس می توان نتیجه گرفت آن است که این فرد با زمینه فکری و اخلاقی از یک خانواده یهودی، و بروز استعداد در حوزه مالی و اقتصادی همراه با کار و تلاش بی وقفه به سطحی از مقبولیت در جامعه مالی یهودیان دست یافت تا برای فتح قله های مادی از حمایت آنها بهره مند شود. در واقع آلیانس نمونه بارز از تحقق روندی است که برای هر یهودی در نظام سرمایه داری فعلی امکان پذیر است.

صهیونیسم و یهودستیزی

دیوید آلیانس از آن دست یهودیانی است که تنها از یهودیت، خصلت مقتصد بودن صرف را به ارث برده و الا نه در خاطرات و نه در متون دیگر از تقید وی به مذهب و آئین موسوی، مورد برجسته ای دیده نمی شود؛ در عین حال توجه او به یهودیان و یهودیت به عنوان یک قوم، بسیار قابل توجه و مهم است و به صورت نه چندان مفصل به برخی از رفتارهای ضد یهودی نیز اشاره می کند. او اهل کاشان است و سابقه آنوسیم در این شهر

۱. همان، ص ۵۵۱.

۲. همان، ص ۵۰۰.

۳. همان، ص ۵۳۰.



را از منابع مهمی همچون آثار «بابائی بن لطف» و «بابائی بن فرهاد» دریافت است.^۱ و خود تجاری از برخورد با غیر یهودیان دارد آن هم در بازار تهران که البته طرف مقابل را به اصطلاح شرمنده می کند.^۲ همچنین در سطحی گسترده تر نسبت به طرفداری رضاشاه از هیتلر گله مند است.^۳ بدین ترتیب متوجه می شویم که نسبت به هولوکاست هم حساس است و آن را به صورت ضمنی تأیید می کند؛^۴ چرا که به کمک یهودیان رانده شده و اسکان آنها در قبرستان و کنیسه های تهران پس از ممنوعیت [ظاهری] انگلیس در مهاجرت یهودیان به اسرائیل، شتافت.^۵

تبعات ناشی از یهودی بودن آلیانس محدود به تهران نبود بلکه در انگلیس هم نمود داشت. اولین شرکت خریداری شده توسط او متعلق به یک مسیحی بود که آلیانس حقد و کینه ای عجیب نسبت به او ابراز می دارد.^۶ در برخی موارد حتی به خرید شرکتی موفق شد که تعمداً صاحبان آن از تعامل با یهودیان پرهیز داشتند.^۷ مهم ترین پیامد یهودی بودن آلیانس در داستان گی نس^۸ برایش مسئله ساز شد و هنوز که هنوز است از مسئولین دولتی انگلیس می خواهد که با تشکیل یک کمیته تحقیق^۹ به بررسی مجدد آن پرونده پردازند و متهمین به یک رسوایی مالی را از اتهامات وارده تبرئه نمایند؛ چرا که آلیانس به صراحت از سوی یکی از منابع خود مطلع شده بود که یکی از وزرای کابینه محافظه کار به یکی از حامیان حزب خود گفته بود که «عقب بنشین چون می خواهیم به سراغ یهودیان برویم».^{۱۰}

آلیانس معتقد است که تمام متهمین یهودی این داستان کماکان نسبت به ظلمی که به آنها شده و حتی جامعه یهودی انگلیس، از این جریان دل چرکین است.^{۱۱} آلیانس با مطرح کردن داستان نه چندان مفصل و روشن از گی نس بر آن است که نشان

۱. کتاب/نوسی، منظومه و در قالب پنج هزار و سیصد بیت در سال های ۴۱-۱۰۳۵ شمسی توسط «بابایی بن لطف» به شرح مفصل از آزار و ستم [!] یهودیان کاشان می پردازد و به زبان فارسیهود داشت. کتاب دوم متعلق به «بابایی بن فرهاد» نوه بابایی بن لطف در سال ۱۱۰۱ شمسی در هزار و سیصد بیت شعر به همان مضمون می پردازد. ص ۳۹-۳۸.

۲. داود آلیانس، همان، ص ۵۷.

۳. همان، ص ۶۵.

۴. همان، ص ۷۶-۷۵.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۳۲.

۷. همان، ص ۱۶۳.

۸. همان، ص ۱۴ و ۴۵۳.

۹. همان، ص ۵۵۶.

۱۰. همان، ص ۴۵۳.

۱۱. همان، ص ۴۶۱.

دهد یهودستیزی در ایران حتی در دوره رضاشاه و محمدرضاشاه و در انگلیس حتی به عنوان مادر نامشروع اسرائیل، وجود دارد؛ و تکرار همان داستان از مظلوم‌نمایی برای یهود در تمام جهان با وجود تمام خدماتی که آنها به جهان کرده‌اند!

آلیانس در قبال قوم یهود در طول دوران تجارت و فعالیت خود خدمات بزرگی به آنها کرد که بارزترین آن در عرصه مهاجرت است؛ گویی مهاجرت در جریان زندگی یهودیان جزء لاینفک از دوره‌ای است که باید طی شود. مثل مهاجرت خود و خانواده از کاشان به تهران که شمار آن را در آن زمان ۱۰۰ هزار نفر ذکر می‌کند^۱ و حتی از سوی دایی خود به کمک مهاجران از عراق برای مهاجرت به اسرائیل می‌شتابد.^۲ این کمک آلیانس شامل یهودیان ایرانی برای مهاجرت به سمت اسرائیل، اروپا و ایالات متحده هم می‌شود.^۳ حتی در انگلیس به افتتاح دفتری اقدام می‌کند^۴ که به غیر یهودیان ایرانی هم برای فرار از ایران مساعدت نماید.



باادواردهیث در خارطوم در زمان انجام بخشی از مأموریت برای
مهاجرت یهودیان اتیوپیایی

مهم‌ترین اقدام آلیانس در مهاجرت دادن یهودیان مربوط به واقعه‌ای است که تا قبل از انتشار این کتاب تقریباً محرمانه بود و عده بسیار کمی از آن مطلع بودند و آن مهاجرت

۱. همان، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۷۶-۷۷.

۴. همان، ص ۳۴۰.

«فالاشه‌های اتیوپی» از سودان و اتیوپی طی عملیات‌های سلیمان و موسی^۱ در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۴ در تعامل سری با دولت‌های اتیوپی و سودان بود. در این عملیات مناخیم بگین نخست‌وزیر اسرائیل تصمیم گرفت که به رگم مخالفت‌های موجود با مأمور کردن آلیانس به عنوان یک فعال اقتصادی، در یک زد و بند مالی با سران کشورهای مرتبط^۲ در این ماجرا، اقدام به مهاجرت این عده از یهودیان به اسرائیل کند که تعداد آنها به ۳۰ هزار نفر^۳ رسید و در دهه نود^۴ نیز به شمار آنها اضافه گردید.

در این ماجرای محرمانه که یکبار در دوره موشه دایان بر ملا گردید،^۵ یوری لوبرانی از سوی طرف اسرائیلی هدایت این عملیات را بر عهده داشت.^۶ لوبرانی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به وقوع انقلاب به عنوان سفیر اسرائیل در ایران هشدارهایی داده بود و اتفاقاً سفرای بعدی بر اساس همین پیش‌بینی‌ها اقدام به خروج اسرائیلی‌ها، یهودیان، اموال و اسناد مربوط از ایران کردند.^۷

آلیانس ضمن شرح مفصل از این عملیات و سفرهایی که به همین مناسبت به آفریقا کرده و دیدارهایی که با دولتمردان سودانی و اتیوپیایی داشته، می‌خواهد که همچنان از نقش او در این عملیات، ذکری به عمل آید؛^۸ کما اینکه اولین بار یوری لوبرانی در یک مراسم در انگلیس تا حدودی به افشای این عملیات محرمانه و نقش افراد برجسته در آن پرداخته است.^۹

۱. ویکتور استروفسکی در کتاب *راه‌نیرنگ* بخشی را تحت عنوان عملیات موسی اختصاص به شرح مفصل از این عملیات داده که البته از یوری لوبرانی و آلیانس ذکری به عمل نیامده است. این ۲۸ صفحه از کتاب مشروح‌ترین گزارش از جریان مهاجران فالاشه به اسرائیل است که تا سال ۱۹۹۰ منتشر شده و هم‌اکنون شرح مفصل‌تری از سوی آلیانس با ابعاد و کارگزاران جدید، پیش از این پرویز نظریان در کتاب *پیاده‌تالاف* از نقش خود برای مهاجرت یهودیان از روسیه گفته بود و جالب اینکه این مهاجرت توده‌ای از دو کشور از بزرگ‌ترین مهاجرت‌های یهودیان به اسرائیل بوده که توسط دو ایرانی صهیونیست سازماندهی و اجرا شده است.

(ویکتور استروفسکی، *راه‌نیرنگ*، ترجمه محسن اشرفی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۳۹۷-۳۸۰)
۲. داود آلیانس، همان، ص ۴۰۱؛ مناخیم بگین از میان سه نفر از کاندیداهای این مأموریت شخصاً آلیانس را برمی‌گزیند و زمانی که با این سؤال مواجه می‌شود که اگر آلیانس قبول نکند، او جواب می‌دهد: «من او را می‌شناسم، او ممکن است به من و شما نه بگوید اما هرگز به آنان [یهودیان اتیوپی موسوم به بتا اسرائیل] نه نخواهد گفت. همان، ص ۳۹۶.

۳. همان، ص ۵۵۲.

۴. همان، ص ۴۰۶.

۵. همان، ص ۴۰۰.

۶. همان، ص ۴۰۷.

۷. شیطان بزرگ، شیطان کوچک اثر الیعزر تسفریر آخرین نماینده موساد در ایران به شرح این ماجرا در واپسین روزهای حکومت پهلوی می‌پردازد.

۸. داود آلیانس، همان، ص ۵۵۲.

۹. همان، ص ۴۱۶.



هواپیمای یهودیان اتیوپیایی در عملیات سلیمان

دیوید آلیانس بسیار فراتر از یک مهره پوششی خود را درگیر مهاجرت یهودیان فالاشه کرد. او در این مسیر هزینه شخصی پرداخت^۱ و علاوه بر هزینه مالی در برخی موارد جان خود را نیز به خطر انداخت. ضمن آن که از مهاجرت یهودیان سیاه پوست فالاشه به اسرائیل نیز حمایت کرد؛ نکته‌ای که برای جایگاه او در آتیه تجاری و وجهه‌اش ممکن بود خطر ساز شود. هم اکنون آلیانس از اینکه یهودیان فالاشه در اسرائیل سکنی گزیده‌اند و حتی از میان آنها دختر شایسته اسرائیل برگزیده می‌شود خشنود است!^۲ ولی دیگر به این واقعیت ورود نمی‌کند که شکاف اجتماعی حاصل از حضور یهودیان فالاشه در اسرائیل با سایر یهودیان در حال افزایش است و کماکان آنها به عنوان جزئی از جامعه یهودی پذیرفته نشده‌اند و حتی موجب بروز ناآرامی‌هایی در اسرائیل برای دریافت و مطالبه بحق خود شده‌اند.

* * *

آلیانس به بهانه‌های مختلف به اسرائیل رفت و آمد داشت و سرنوشت رژیم صهیونیستی برای او مهم بوده و هست. از آبادانی‌های اسرائیل تمجید می‌کند^۳ و در کیبوتص‌های اسرائیلی اقامت می‌گزیند و حتی از آن ابراز لذت دارد.^۴ با مقام‌های اسرائیلی نشست و برخاست می‌کند و دریافت‌های خود در عرصه سیاست را با تجربه‌ای که در عرصه

۱. همان، ص ۳۹۷.

۲. همان، ص ۳۸۹؛ این دختر «آیتیش آیناو» (Yitish Aynaw) نام دارد.

۳. همان، ص ۳۹۱.

۴. همان.

خدمات آلیانس برای اسرائیل حاکی از عشق او به این رژیم و ایده صهیونیسم است و تا جایی که امکان داشته از مال، جان و جایگاه خود برای موفقیت این ایده مایه گذاشته است و البته به این مهم نیز توجه داشته است که آتیه تجاری او نیز تا حد امکان ضربه نخورد

بده‌بستان‌های تجاری به دست آورده در معرض استفاده آنها قرار می‌دهد.

او نسبت به عملکرد آن بخشی از رژیم صهیونیستی که توافق با فلسطینی‌ها را بر نمی‌تابد شدیداً ابراز مخالفت می‌کند^۱ و حتی دیدگاه خود در باب ضرورت صلح با فلسطینی‌ها برای بقای اسرائیل را به آنها خاطر نشان می‌سازد؛ به طوری که او را طرفدار صلح با فلسطینی‌ها قلمداد می‌کنند. او در یک دیدار با اسحاق رابین یک خودنویس به او به مناسبت روز

تولدش هدیه داد و ابراز امیدواری کرد که با آن توافق صلح را با فلسطینی‌ها امضا کند و اتفاقاً مدعی است که رابین به او گفته است که با همین قلم «توافق اسلو» در سال ۱۹۹۳ را امضا کرده است.^۲

و جالب اینجاست که او برای نتیجه‌بخش بودن اراده‌های صلح‌آمیز بدین صورت از نقش ایران در این خصوص می‌گوید:

به عقیده من تنها کشوری در جهان که قادر خواهد بود این گره کور را بگشاید «ایران» است. ایران که با فرهنگ هر دو طرف آشناست، پرنفوذترین قدرت اسلامی در منطقه است، قابلیت بسیاری در انجام مذاکرات دارد و از احترام و نفوذ لازم برای میانجی‌گری میان دو همسایه خود در منطقه - اسرائیل و فلسطین - برخوردار است... به اعتقاد من دولت ایران باید خود را به عنوان کارگزار صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها داوطلب کند. واضح است که اسرائیل باید عدم اعتماد به ایران را کنار بگذارد و صادقانه به فرآیند صلح متعهد شود.^۳

آلیانس ضمن مذمت موضع مخالفان صلح در اسرائیل با توجه خاص به نقش ویژه ایران در این میان راهکار اجرایی نیز ارائه داده و می‌گوید:

۱. همان، ص ۳۹۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۵۵۴. دیوید آلیانس در برنامه «به عبارت دیگر» در گفت‌وگو با شبکه بی‌بی‌سی فارسی می‌گوید: «اسرائیلی‌ها باید بفهمند که دنیا عوض شده و قبول کنند که فلسطینی‌ها نیز باید راحت زندگی کنند... ایرانی‌ها از هر دو طرف اطلاعات فرهنگی خوبی دارند... یگانه دولتی هستند که می‌توانند این مشکل را حل کنند؛ در حالی که امریکا موفق نشد، اروپا موفق نشد. اعراب موفق نشدند و اگر ایران موفق شود نه تنها شاه بلکه شاه دنیا می‌شود و جایگاه ایران بالا می‌رود. ایران یگانه طرفی است که می‌تواند این مشکل را حل کند و این کار را هم خواهد کرد! [ا] و این نظر شخصی خود من است و از هیچ دولتی آن را به توصیه نگرفته‌ام...»



می‌توان برای پیشبرد سریع‌تر این فرآیند پیشنهاد کرد که ایران مسئولیت مشترک اداره اماکن مقدس اسلامی در اورشلیم (مسجدالاقصی و قبه‌الصخره یا، صخره مقدس گنبد طلایی) را به عهده بگیرد. روحانیون ایران در هنر مذاکره بسیار خبره‌اند و می‌توانند از این فرصت برای گسترش و تحکیم موقعیت خود در جهان بهره‌برداری کنند. از طرف دیگر اسرائیلی‌ها باید بپذیرند که قدرت و برتری نظامی هرگز ضامن صلح نخواهد بود و مذاکرات صلح باید با همراهی مردم اسرائیل - که بیش از هر چیز خواهان صلح هستند - پیش برده شود. به اسرائیلی‌ها تلقین شده که ایران کشوری دشمن و مهاجم است اما تهاجم یک مشخصه ایرانی نیست و اکثر ایرانیان نیز صلح‌طلب‌اند.^۱

در واقع این راهبرد پیشنهادی آلیانس در قبال صلح در منطقه، بازیگران اصلی و موانع، حاکی از آن است که از میان موانع موجود در برقراری سازش، قدس اهمیت درجه یک دارد و این مهم‌ترین مانع با دست مهم‌ترین بازیگر مخالف سازش یعنی ایران از طریق مذاکره برطرف خواهد شد و شیوه نظامی جوابگو نخواهد بود. و این دقیقاً مخالف راهبرد جمهوری اسلامی مبنی بر اهمیت قدس، نفی مذاکره و سازش و تأکید بر مقاومت است.^۲ آلیانس در عین مخالفت با اقدام نظامی و حمایت از صلح و مذاکره، نسبت به موضع بنگاه خبرپرانی بریتانیایی بی‌سی آنچنان عصبانی و ناراحت است که تعجب مخاطب را با توجه به انگلیسی بودن آلیانس برمی‌انگیزد^۳ و اینکه چطور شده است که بی‌بی‌سی از فلسطینی‌ها حمایت می‌کند!

آلیانس در طول جنگ دوم غزه^۴ به ویژه موردی از آن که در اسرائیل بوده و این جنگ اتفاق افتاده، از غیر واقع‌بینی بی‌بی‌سی گلایه‌مند است و دائماً از موضع طرفدارانه بی‌بی‌سی از فلسطینی‌ها، انتقاد می‌کند و می‌گوید:

۱. همان، ص ۵۵۵-۵۵۴. آلیانس در پاسخ به مجری شبکه بی‌بی‌سی که آیا این ایده عملی است یا خیر می‌گوید: «وقتی به تاریخ نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که این ایده عملی است. [آقای] خامنه‌ای با قدرتی که دارد می‌تواند؛ و ملت اسرائیل نیز از این ایده حمایت می‌کنند.»

۲. دیوید آلیانس دلیل مخالفت دولت اسرائیل با ایده خود را در مصاحبه با بی‌بی‌سی این‌طور بیان می‌کند: «اگر در دولت اسرائیل اجزاء خاورمیانه‌ای قدرت وجود داشت تاکنون صلح برقرار می‌شد. ولی چون آنها عمدتاً از یهودیان اروپایی هستند، هنوز از سایه خود می‌ترسند و در حال و فضای جنگ دوم جهانی به سر می‌برند.»

۳. جالب است که دیوید آلیانس در مصاحبه دو قسمتی خود با شبکه بی‌بی‌سی فارسی به بهانه انتشار کتابش، هیچ گلایه از این شبکه مطرح نمی‌کند و انگار نه اینکه در کتاب از این شبکه در قبال رفتارش با موضوع فلسطین و انقلاب اسلامی در ایران شدیداً دلخور است.

۴. همان، ص ۳۳۵.



مشاهد پوشش خبری بمباران‌های اسرائیل با نتایج خونین بر صفحه تلویزیون بی‌بی‌سی، باعث شد که من مانند سایر یهودیان و شهروندان اسرائیل دچار تألمی عمیق بشوم.^۱

او در تشریح این رفتار بی‌بی‌سی می‌نویسد:

در جریان تهیه این کتاب، بخشی از اوقاتم را در آپارتمان خود در شهر تل‌آویو صرف کردم. این دوره هم‌زمان با جنگ دوم در غزه بود و من ساعات بسیاری را به تماشای پوشش خبری تلویزیون بی‌بی‌سی از درگیری‌ها در غزه گذراندم. از نقطه‌نظر یک بیننده در اسرائیل، گزارش‌های بی‌بی‌سی به شدت یک‌جانبه و غیرعادلانه برآورد می‌شد. اخبار اغلب با این مقدمه شروع می‌شد که «اسرائیل تازه‌ترین تهاجم خود را آغاز کرد...» و به این ترتیب به سادگی القامی کرد که اسرائیل طرف متجاوز و بی‌رحم و سازمان حماس قربانی و بی‌نواست.^۲

او در خلال این موضع‌گیری نسبت به بی‌بی‌سی، کنایه خود را حواله‌طرفی نیز می‌کند که حل مسئله صلح اعراب و اسرائیل را منوط به حضور او در این پروسه می‌داند و می‌گوید:

این روزها اوقات زیادی را در شهر تل‌آویو می‌گذرانم؛ درست در تیررس راکت‌های ساخت ایران و شلیک‌شده توسط حماس که پانزده ثانیه پس از پرتاب به تل‌آویو می‌رسند.^۳

آلیانس این موضع خود در قبال صلح و حتی بی‌بی‌سی را با سابقه و ریشه طولانی می‌داند که در مورد بی‌بی‌سی نسبت به ایران هم تکرار شده و در جای خود بدان خواهیم پرداخت. اما در مورد صلح تصریح می‌کند که هشدارهای او به زمان جنگ ۱۹۶۷^۴ و اشغال کرانه غربی و قدس برمی‌گردد و می‌گوید:

اسرائیل جنگ را باخته است مگر اینکه صدمات واردشده به شهرهای

۱. همان، ص ۳۳۴.

۲. همان. او به برخی صحنه‌های تکان‌دهنده بی‌بی‌سی به این صورت اشاره می‌کند که در آن نظامیان حماس در غزه را در حال شلیک راکت‌ها به سوی مناطق مسکونی اسرائیل نشان می‌دهد. این افراد پس از شلیک هر راکت با شغف فریاد می‌کشند، منفجر کن، تل‌آویو را منفجر کن!!

۳. همان، ص ۵۵۳.

۴. همان، ص ۳۹۲. در جنگ شش روزه ۱۹۶۷ موسوم به ژوئن یا یوم النکسه شکست سختی به اعراب وارد شد و ناصر به دلیل پیامدهای فضاقت‌بار آن از جمله از دست دادن صحرای سینا، نوار غزه، کرانه غربی و قدس و بلندی‌های جولان از سمت خود استعفا داد. در این میان ارتش کشورهای عربی به ویژه هواپیماهای جنگی مصر تقریباً نابود شد.

آلیانس در قبال تمام خدمات
خود به افتخاراتی از سوی
اسرائیل نیز نائل شده؛ از
جمله دکترای افتخاری از
دانشگاه تل آویو

عربی را به سرعت ترمیم کرده و فوری
غرامت لازم را به اعراب بپردازد. تا
وقتی که دو طرف یاد نگیرند چگونه
در کنار هم به صورت مسالمت آمیز
زندگی کنند در این منطقه صلح پایدار

برقرار نخواهد شد. این امر مستلزم این خواهد بود که بخشی از مناطق
اشغال شده را به فلسطینی ها بازگردانند... خشم، کینه و تلخ کامی
می تواند در جامعه عرب رخنه کرده و ریشه بدواند. چنین احساسات
مخری، نسل اندر نسل باقی می ماند. من از صمیم قلب اعتقاد داشتم
که اسرائیل باید در اوج پیروزی، بلندهمتی و سخاوتمندی نشان دهد
و گر نه این پیروزی اصلاً پیروزی نبوده است.^۱

آلیانس با صراحت بیشتری این موضع خود را از طریق «آریه لوین» ایرانی الاصل و
سفیر سابق اسرائیل در شوروی به اطلاع مقامات وزارت خارجه پس از جنگ ۱۹۶۷ به
شرح ذیل می رساند:

باید تا حد ممکن سرزمین هایشان را به آنان بازگردانیم. باید به آنان
بیاموزیم که سرزمین شان را شکوفا کنند تا حدی که همه اعراب منطقه
به آنان رشک ببرند. بلندترین ساختمان خاورمیانه را در این مناطق بنا
کنید، چیزی را که برای خودتان استطاعتش را ندارید، برای فلسطینی ها
فراهم کنید.^۲

آلیانس اعتراف می کند که مقامات اسرائیلی از این موضع من متعجب شدند و با آن
مخالفت کردند؛ ولی به قول او دیری نپایید که همان عده از جمله لوین طی یک دیدار
بدین صورت ابراز پشیمانی کردند:

ای کاش به حرف های آن روز شما پس از پایان جنگ شش روزه،
توجه کرده بودیم. اگر به توصیه شما عمل می کردیم امروز اوضاع بسیار
متفاوت بود.^۳

خدمات آلیانس برای اسرائیل حاکی از عشق او به این رژیم و ایده صهیونیسم است و

۱. همان، ص ۳۹۲-۳۹۱.

۲. همان، ص ۳۹۳-۳۹۲.

۳. همان، ص ۳۹۳.

تا جایی که امکان داشته از مال، جان و جایگاه خود برای موفقیت این ایده مایه گذاشته است و البته به این مهم نیز توجه داشته است که آتیه تجاری او نیز تا حد امکان ضربه نخورد و به همین دلیل خیلی از اقدامات آلیانس پس از سال‌ها مکتوم ماندن، هم‌اکنون توسط او در کتاب افشا می‌شود و آنچنان که در ادامه خواهیم دید هنوز هم بسیاری از موارد پنهان و مکتوم مانده است.



آلیانس با حاکم‌پدید یا شوفط رهبر روحانی یهودیان ایران

آلیانس در قبال تمام خدمات خود به افتخاراتی از سوی اسرائیل نیز نائل شده؛ از جمله دکترای افتخاری از دانشگاه تل‌آویو^۱ که البته شاید به دلیل ایجاد کرسی مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه تل‌آویو یا کرسی مطالعات یهود در دوران مدرن^۲ یا مشارکت در طرح خیریه مؤسسه پژوهشی علمی وایزمن^۳ همراه با مارکوس سیف در سال ۱۹۸۶ باشد.

او اگرچه تابعیت اسرائیلی نیافت یا به اسرائیل مهاجرت نکرد، ولی با فراهم نمودن

۱. همان، ص ۵۴۴.

۲. همان. آلیانس هدف خود از راه‌اندازی کرسی مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه تل‌آویو را در مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی فارسی، این‌گونه بیان می‌کند: «در سال‌های اخیر ایران را بد می‌بینند؛ اگر وجهه ایران خوب شود من هم بالا می‌روم و اگر بد شود من هم پایین می‌آیم. به همین دلیل مرکزی در تل‌آویو تأسیس کردم که نشان دهد ایران این نیست که در خارج از آن می‌گویند. قدمت آن، تاریخ بزرگ آن و حقوق بشر آن با سابقه است. مثلاً من وقتی وارد مجلس شدم از حقوق بشر ۲۵۰۰ ساله ایران گفتم و افرادی همچون دیوید مناشری که ایرانی است با ارایه سخنرانی در کشورهای مختلف دنیا به دنبال معرفی این ایران است.»

۳. دیوید آلیانس، همان، ص ۲۱۶.

کمک‌های مؤثر سیاسی، مهاجرتی و علمی به اسرائیل در قذ و قامت یک صهیونیست، دین خود را نسبت به این ایده اشغالگرانه ادا کرده^۱ و امیدوار است با طرح ایده‌های خود در قبال ایران و اسرائیل، خدمت اساسی در بقای اسرائیل را تکمیل نماید. بخشی از این رویکردهای جدید در قبال برجام در یک گفت‌وگو با بی‌بی‌سی مطرح می‌شود و با حمایت از برجام، خواستار ورود ایران به عرصه مبادلات بین‌المللی و تعامل با نظام سرمایه‌داری فعلی جهانی می‌شود.^۲



۱. دیوید آلیانس به مناسبت معرفی کتاب خود در مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی می‌گوید: «من در ایران زاده شدم. کاشان شهر من است، مال من است و من مال آن هستم. اسرائیل جای خودش را دارد و ایران هم جای خودش را دارد و اینجا هم که پذیرفتم تا کار کنم جای خودش را دارد. اما من از یک ایرانی به دنیا آمدم و ایرانی هستم.»
 ۲. در این مورد آلیانس می‌گوید: «این قرارداد خیلی خوب است برای همه خوب است. برای ایران هم خیلی خوب است. من هم به زعم خود سعی کردم با صحبت با افراد مختلف در انگلیس و آمریکا این قرارداد امضا شود. ایران را باید کمک کنیم. درها باز شود. مردم ایران کار داشته باشند. اگر وضعیتشان خوب شود سراغ هسته‌ای نمی‌روند! [۱] و الا ایران هم توانش را دارد و هم دانش آن را...» (مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی فارسی به مناسبت چاپ کتاب خاطرات خود)